

شهید ترک‌زبان امام حسین (ع) کیست؟

اسلم ترکی یکی از شهدای کربلا است. وی غلام سیدالشهدا «ع» و ترک‌زبان بود و تیرانداز و کماندار و کاتب امام حسین «ع» به شمار می‌رفت.



اسلم ترکی یکی از شهدای کربلا است. وی غلام سیدالشهدا «ع» و ترک‌زبان بود و تیرانداز و کماندار و کاتب امام حسین «ع» به شمار می‌رفت.

خبرگزاری فارس - گروه تاریخ: عمار بن ابی سلامه دالانی از شهدای کربلا. اهل کوفه بود، محضر رسول خدا «ص» را نیز درک کرده و از اصحاب «ع» و علی «ع» بود که در رکابش در سه جنگ جمل، صفین و نهروان شرکت داشت. در کربلا درحمله اول به شهادت رسید. نامش در زیارت ناحیه مقدسه هم آمده است.

ابراهیم بن حصین ازدی

از شهدای کربلا و اصحاب دلاور امام حسین «ع» و علی «ع» بود، از جمله کسانی که سیدالشهدا «ع» در لحظات تنهایی، نام برخی از یاران را می‌خواند و صدا می‌زد: «یا ابراهیم بن الحصین...»

ابو ثمامه صائدی

از یاران سیدالشهدا و شهید نماز، که روز عاشورا به فیض شهادت رسید. وی از چهره‌های سرشناس شیعه در کوفه و مردی آگاه و شجاع و اسلحه‌شناس بود.

مسلم بن عقیل در ایام بیعت گرفتن از مردم برای نهضت «ع» حسینی، او را مسؤول دریافت اموال و خرید اسلحه قرار داده بود. نامش عمر بن عبدالله بود. [1] پیش از شروع درگیری‌های کربلا خود را از کوفه به کربلا رساند و به امام پیوست.

روز عاشورا، که یاران حسین بن علی «ع» و علی «ع» بتدریج «ع» شهید می‌شدند و از تعدادشان کاسته می‌شد و این کاهش محسوس بود، ابو ثمامه هنگام ظهر خدمت امام آمد و گفت: جانم «ع» فدای تو! چنین می‌خوانم. امام، نگاهی به بالا افکند، فرمود: نماز را به یادآوری، خدا تو را از نماز گزاران ذاکر قرار دهد. آری، اینک اول وقت نماز است. مهلتی از سپاه دشمن خواستند. آنگاه ابو ثمامه و جمعی دیگر، با امام حسین «ع» و علی «ع» نماز جماعت «ع» خواندند. [2] وی جزء آخرین سه نفری بود که از یاران امام تا عصر عاشورا زنده مانده بودند. برخی گفته اند که در اثر جراحت‌های بسیار بر زمین افتاد، خویشانش او را به دوش کشیده و از میدان به در بردند و مدت‌ها بعد از دنیا رفت. [3].

*اسلم ترکی

یکی از شهدای کربلا، وی غلام سیدالشهدا «ع» و ترک‌زبان بود، تیرانداز و کماندار بود و کاتب امام حسین «ع» و علی «ع» به شمار می‌رفت. قاری قرآن و آشنا به عربی بود. برخی نام او را سلیمان و سلیم هم نوشته اند. [1] روز عاشورا که اذن میدان گرفت، اینگونه رجز می‌خواند:

البحر من طعنی و ضربی یصطلی

و الجو من سهمی و نبلی یمتلی

اذا حسامی فی یمینی ینجلی

ینشق قلب الحاسد المبجل [2] .

دریا از ضربت نیزه و شمشیرم می‌جوشد و آسمان از تیرم پر می‌شود، آنگاه که تیغ در کفم آشکار شود، قلب حسود متکبر را می‌شکافد. وی دلاورانه جنگید و بر زمین افتاد.

امام به بالین او آمد و گریست و چهره بر چهره نهاد. اسلم، چشم گشود و حسین را بر بالین خود دید، تبسمی کرد و جان داد. [3] .

یکجا رخ غلام و پسر بوسه داد و گفت:

در دین ما سیه نکند فرق با سفید